

روشهای اجرای عدالت ترمیمی

حسین سراج

فرایندی که « تونی ماشال » توضیح می دهد و اصولی که « سوزان شارب » شرح داده است، هزاران سال به صورت غیر رسمی و در قالب سنتهای عرفی وجود و نمود داشته اند. این روشها، اخیراً به گونه های مختلف در نظام عدالت کیفری به مورد اجرا گذارده شده اند. با این وجود این چهار برنامه در فرایند اجرای عدالت ترمیمی به طور قابل توجهی مدنظر قرار گرفته اند: میانجیگری میان بزه دیده - بزهکار، کانفرانس، نشست گروهی (خانواده گی) و حلقه ها و یا محافل. در اینجا به طور خلاصه¹ میانجیگری را در مبحث نخست و سه رویش دیگر در مبحث دوم به توضیح هر کدام می پردازیم.

مبحث اول: میانجیگری:

برنامه های میانجیگری میان بزه دیده و بزهکار یا برنامه های سازش میان بزه دیده و بزهکار یکی از معروف ترین و شاید فراگیرترین روشهای اجرای عدالت ترمیمی است. به عنوان مثال در آمریکا و کانادا از (دهه هفتاد قرن بیستم) به اجرا در آمده اند. این برنامه ها در اروپا و به ویژه آلمان مورد استقبال قرار گرفته و به خصوص در مورد بزهکار اجرا شده اند.²

رابطه ی میانجیگری بزه دیده و بزهکار با مباحث عدالت ترمیمی چنان نزدیک است که در واقع تفکیک این دورا از هم دیگر دشوار کرده است. به تعبیر کرتی و مانوزی: « میانجیگری ابزار، شالوده و سنگ بنای عدالت ترمیمی است».³

در شکلها و نمونه های اولیه میانجیگری، بزهکار و بزه دیده از طریق فعالیتهای فردی به نام « میانجی » که اقدام به برنامه ریزی و هدایت و تسهیل شرایط دیدار و ملاقات آنها به یکدیگر می کرد، باهم روبرو می شدند. در طول این ملاقاتها، بزه دیدگان به توضیح مسایل مربوط به تحمل جرم و آثار ناشی از آن می پرداختند و بزهکار در رابطه با آنچه که انجام داده اند و نیز علت آن توضیح داده، به پرسشهای احتمالی بزه دیدگان نیز پاسخ می گفتند. وقتی هم بزه دیده و هم بزهکار نظر و عقیده خود را می گفتند، میانجی به آنها کمک می کرد تا راههایی را که موجب حل مشکل و ترمیم آثار جرم می شد، مورد بررسی قرار دهند. اگرچه این روش تاحدودی با اصول عدالت ترمیمی سازگار بوده و تأمین کننده اهداف آن است اما بطور کامل آثار ملاقات و دیدار مستقیم بزه دیده - بزهکار را ندارد. در کشورهای دیگر، بویژه در امریکای شمالی، میانجیگری میان بزه دیده - بزهکار مستلزم دخالت کسانی که از ارتکاب جرم متضرر شده و متأثر گردیده اند نیز بوده و به علاوه امکان دخالت افرادی که حاضر به حمایت از طرفین بوده اند نیز وجود داشت.⁴

با توجه به تفاوتی موجود در اهداف و روشهای اجرای برنامه های میانجیگری، عنصر مشترک در آنها مشارکت آزادانه و ملاقات چهره به چهره بزه دیده و بزهکار است. میانجیگری فرایند سه جانبه

² غلامی، حسین، عدالت ترمیمی، سیاست جنایی (مجموعه مقالات)، ص 732.

³ شیری، دکتر عباس؛ فرایند های عدالت ترمیمی، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم سال اول و دوم (1386-1385) ص 34.

⁴ موریس و ماکسول؛ الگوی جدید تفکر در امور کیفر؛ بترجمه حسین غلامی، پژوهش حقوق و سیاست، ص 132

یا سه طرفه ای است که فارغ از تشریفات معمول در فرایند کیفری، بر اساس توافق قبلی شاکی (بزه دیده) - متهم (بز هکار) با حضور شخص ثالثی بنام میانجیگر یا میانجی، به منظور حل و فصل اختلافات و مسائل مختلیف ناشی از ارتکاب جرم اقدام می شود. در این فرایند شخص ثالث یا میانجی اولاً از هیچ برتری بر سایر شرکت کننده گان در حل و فصل خصومت ندارد. دوماً میانجی نمی تواند هیچ تصمیمی را بر دیگران تحمیل کندو ثالثاً طرفین هرگز به توافق کامل جهت حل و فصل خصومت نخواهند رسید، مگر آنکه هر کدام از آنها کاملاً راه حل پیشنهادی را پذیرفته باشد.⁵

گفتار اول: اهداف میانجیگری:

فرایند میانجیگری معمولاً در تقابل با اقدامات پلیس یا مقام تعقیب و یا به موازات آنها صورت می گیرد. در واقع میانجیگری ممکن است قبل از ورود پرونده به دادگاه و یا در فاصله بین محکومیت بز هکار و اجرای مجازات به عمل می آید. میانجیگری همچنین بخشی از روند تعیین مجازات است و یا پس از تعیین مجازات اعمال می شود. میانجیگری در جرایم شدید نیز در مواردی که بزه دیده مشخص بوده و بز هکار ایراد صدمه را پذیرفته است، مهم است. مشارکت در فرایند میانجیگری همواره برای هر دو طرف درگیر در جرم (بزه دیده و بز هکار) داوطلبانه و اختیاری است.⁶

با توجه به تفاوتی میان برنامه های مختلیف میانجیگری و روشهای مدیریت آنها باید خاطر نشان کرد که اصولاً برنامه های میانجیگری اهداف و مقاصد مشترکی دارند که عبارت اند از:

الف) حمایت و کمک به فرایند بهبود و التیام بزه دیدگان از طریق تهیه شرایط امن و کنترل شده ای که به بز هکار به خورتنی کاملاً اختیاری ملاقات نمایند.

ب) ایجاد شرایطی برای بز هکار تا در خصوص نتایج وخیم جرم بیشتر آموخته و آثار آن بر بزه دیده را با دقت بیشتر مد نظر قرار دهد و از این طریق رفتار مسؤالنه بهتری را پیشه کند.

ج) ایجاد فرصتی برای بز هکار و بزه دیده تا برنامه ای مورد توافق را در خصوص چگونگی بر خورد با آثار جرم و حل و فصل آن طراحی کنند.⁷

گفتار دوم: اصول و مبانی میانجیگری :

یکی از اساسی ترین اصول میانجیگری تأمین امنیت بزه دیدگاه است. تدین سان آنها را در مسیری قرار می دهد که در گفتگوی چهره به چهره، بزه دیده تجربه ناخوشایند و هولناک خود را بیان نماید. در صورتی که بزه دیده احساس نا امنی و تهدید کند، میانجیگران موظف به تأمین امنیت وی از هر طریق ممکن است. همچنان جلسات میانجیگری باید در فضا و مکان مناسب که بزه دیدهگان احساس ناامنی نکند برگزار گردد.⁸

⁵ غلامی حسین، عدالت ترمیمی همان، ص 116

⁶ مارشال تونی، عدالت ترمیمی چیست؟؛ عدالت ترمیمی، ارتقا بخشیدن رویکرد بزه دیده محوری (مجموعه مقالات)، ترجمه امیر سماواتی پیروز، تهران، نشر خلیلیان، 1384 ش، ص 103.

⁷ غلامی، حسین؛ عدالت ترمیمی، علوم جنایی (مجموعه مقالات)، ص 733.

⁸ فروزش روح الله، جایگاه عدالت ترمیمی در فقه اسلامی و حقوق نشر خورسندی، 1386 ش، ص 61.

رعایت حق انتخاب بزه دیده یکی دیگر از اصول میانجیگری است. در نتیجه وقوع جرم، احساس آسیب پذیری، عدم توانایی و فقدان قدرت بزه دیده‌گان را فرا می‌گیرد. به همین دلیل در ابتدای تحمل بزه دیده و تا مدتی چند، بزه دیدگان کنترل و مهار زندگی و امور خویش را از دست می‌دهند و توانایی مدیریت خویش به گونه سابق نیستند. باز توانایی برزه دیدگان به این معنی است که آنها بار دیگر بتوانند اوضاع را به حالت سابق برگردانند و نقش اصلی و اولیه خود را در جامعه و خانواده بازیابند. وظیفه مجریان میانجیگری ارائه اطلاعات و حمایت‌های لازم به بزه دیده و کمک به وی در اتخاذ تصمیمات مفید و لازم است.⁹

منانجیگر نباید نقش اخلاقی را در میانجیگری ایفا کند (به طوریکه مثلاً بخواهد عمل بزهرکار را از نظر اخلاقی سنجیده و با وی به عنوان شخصی که مرتکب تقصیر اخلاقی شده برخورد کند) از سوی دیگر میانجیگران نباید عمل ارتكابي بزهرکار را تأیید یا تصمیمات عجولانه اتخاذ نمایند. بلکه به او فرصت کافی داده شود تا ارزیابی از منافع و مضار حاصل از تصمیم را داشته باشند. بزه دیدگان باید همواره حق انصراف از مشارکت در برنامه‌های میانجیگری را داشته و هرگز تحت فشار قرار نگیرند.¹⁰

علاوه بر اصول مذکور، ضروری است در اجرای برنامه میانجیگری قضیه و موضوع مورد اختلاف به دقت تبیین و تشریح شود. نوع جرم، سن بزهرکار و تاریخچه جرم از جمله مسائل مورد توجه اند. در صورتی که میانجی امکان ادامه برنامه را میسر نمی‌داند باید مراتب را به بزه دیده توضیح دهند و در هر حال وی را در اطلاعات خود شریک نماید.

از دیگر نکات مهم، ملاقات میانجیگر با بزهرکار قبل از آغاز برنامه میانجیگری است، برای این منظور ضروری است میانجی ابتدا با بزهرکار و سپس با بزه دیده ملاقات نماید. در صورتی که میانجی آغاز برنامه را با بزه دیده شروع و موافقت وی را جهت ملاقات با بزهرکار اخذ نماید، لکن بزهرکار مایل به میانجیگری نباشد، نوعی بزه دیدگی مجدد در بزه دیده ایجاد می‌گردد. در ملاقات مانجی با بزهرکار، میانجی باید توضیح دهد که بزهرکار هیچ اجباری به مشارکت در میانجیگری ندارد. اجبار بزهرکار به مشارکت نه تنها ممکن است منجر به حصول توافق و آشتی نگردد بلکه حتی ممکن است آثار منفی دیگری را در پی داشته باشد و موجب عمیق تر شده اختلافات طرفین گردد.

در ملاقات ابتدایی با بزهرکار، میانجی سه وظیفه مهم را بر عهده دارد. اول آنکه نسبت به تجربه بزهرکار از ارتكاب جرم و شنیدن آن آمادگی داشته باشد. دوم آنکه اطلاعات لازم را در خصوص جرم ارتكابي، آثار آن بر بزه دیده، نقش میانجیگر و نیز فرایند میانجیگری برای رفع ابهامات و پرسشها در اختیار وی قرار دهد، و سوم آنکه تأکید نماید میانجیگری صرفاً یک گزینه است و بزهرکار می‌تواند آن را انتخاب نکند.

در هر حال امکان موفقیت برنامه زمانی افزایش خواهد یافت که بزهرکار با ارزیابی سود و زیان حاصل از مشارکت یا عدم مشارکت، خود اتخاذ تصمیم نماید.¹¹

⁹ غلامی همان، ص 121 .

¹⁰ فرمک انگ وان، نقش بزه دیده در عدالت ترمیمی: آیا عدالت ترمیمی نفعی برای بزه دیدگان داشته است؟ (عدالت ترمیمی) ارتقا بخشیدن رویکرد بزه دیده محوری (مجموعه مقالات) ترجمه امیر سماواتی پیروز، تهران، نشر خلیلیان، 1384 ش، ص 76 .

¹¹ غلامی حسین همان، ص 123 و

گفتار سوم: فرایند میانجیگری:

میانجیگری عبارت است از ملاقات مستقیم بین بزه دیده و برهکار. این بدان معنی است که طرفین در گیر در جرم را قادر می سازد که خود شان بتوانند نحوه گفتگو را تعیین کرده و بر آن نظارت کنند. و باهدف حصول با آرامش و بهبودی و پاسخگو نمودن مستقیم بزهکار جبران زیانهای خود را تقاضا نماید. فرایند میانجیگری معمولاً شامل چهار مرحله، ارجاع یا اخذ پرونده به برنامه میانجیگری، مرحله آمادگی، میانجیگری و پی گیری است که به طور خلاصه توضیح داده می شود.

مرحله اول: اخذ یا ارجاع پرونده

اشتغال مجریان برنامه های میانجیگری معمولاً به دو صورت فعال و انفعالی صورت می پذیرد. در روش فعال، مسئول برنامه با متصدیان بخش ارجاع پرونده به میانجیگری که معمولاً قضات، مأموران تعلیق مراقبتی، دادستانها، پلس و گاه وکلای بزه دیدگان اندارتباط برقرار می کند و با توجه به معیار های خود برای قبول پرونده ها به گزینش آنها اقدام می کند. با توجه به تفاوت معیارها لیکن حسب نوع و سطح برنامه به طور معمول عبارتند از اینکه جرم ارتكابی از جمله جرایم علیه اموال بوده، شامل ضرب و جرح شدید نباشد؛ بزه دیده مشخص باشد، بزهکار گناهکاری خود را پذیرفته باشد، شدیداً معتاد به مواد مخدر یا مبتلا به بیماری روانی حاد نباشد، و برای اولین بار مشمول میانجیگری شده باشد.¹²

در روش انفعالی مجریان برنامه میانجیگری منتظر ارجاع پرونده از طرف مقام ذی ربط هستند. اصولاً این رویش موفقیت آمیز نیست. لذا پرونده های اندکی از طرف متصدیان مربوط ارجاع می گردد.

میانجی با گذراندن دوره های آموزشی لازم و نیز شناخت کافی از عرف شبه قضایی حاکم در جامعه محلی که در آن جرم واقع شده است، به طور داوطلبانه، انجام وظیفه ی میانجیگری را قبول کند. ممکن است برخی از میانجیگران در موضوعات و موارد خاص تخصص بیشتری داشته باشند که در این صورت پرونده ها میان آنها با توجه به تخصص و توانایی شان توزیع می شود.¹³

مرحله دوم: آمادگی برای میانجیگری

در این مرحله آماده سازی طرفین برای مشارکت در میانجیگری مطرح می شود و پس از آماده سازی طرفین برای مشارکت در میانجیگری آغاز می شود که در آن، ضمن توضیح شرایط با موافقت طرفین زمانی تعیین شده را برای ملاقات بزهکار و بزه دیده اعلام می کند.¹⁴ در زمان تعیین شده مانجی به ملاقات بزهکار و بزه دیده می رود و یا از آنها جهت حضور دعوت به عمل می آورد. وی پس از شنیدن سخنان و نگرانیات طرفین در خصوص ارتكاب و تحمل بزه، نسبت به جمع آوری اطلاعات و توضیح مسائل مربوط به میانجیگری و حقوق طرفین و گزینه های پیش روی آنها، پیگیری برای تحقق راهکار، راه حل و تصمیم هایی که طرفین در جریان میانجیگری اتخاذ کرده اند، صورت می گیرد.

¹² غلامی حسین عدالت ترمیمی، تهران نشر سمت، ص 126 .

¹³ سماواتی پیروز امیر، عدالت ترمیمی تعدیل تدریجی عدالت کیفری با تغییر آن، نشر، نگاه بینه، 1385 ش، ص 130 .

¹⁴ سماواتی پیروز، همان، ص 130.

مرحله سوم: میانجیگری

هدف از این مرحله آن است که میانجی، فضایی به وجود بیاورد که بزهدکار و بزه دیده به نحو برابر بتوانند حرف های خود را بزنند. میانجی باید تأکید نماید که اصولاً بزه دیده و بزهدکار با یکدیگر بحث می کنند و سایر شرکت کنندگان تنها می توانند به طور مختصر اظهاراتی داشته باشد. بزهدکار بدون ترس از عواقب مسئولیت و کیفر، مسئولیت کار خویش را بپذیرد و آمادگی خود را جهت جبران آسیب های وارده اعلان نماید و بزه دیده نیز، به جایی یک نقش منفعل، یک نقش فعال و محوری بیابد و چهره به چهره و رو در روی بزهدکار، از بزه و آسیب های ناشی از آن نسبت به خود سخن بگوید. میانجی فقط به حرف های طرفین گوش می دهد، این برنامه را ممکن است یک یادو میانجی اداره کند. از وکیل، دادستان و بازپرس اثری نیست، آنان محیط را حرفه ای می کنند و مسیر را در جهت اثبات گناهکاری و اثبات بی گناهی هدایت می کند.¹⁵

پس از توافق، طرفین فرم خاصی را تکمیل و امضا می کنند. توافقنامه باید متضمن موارد ذیل باشد: شرح مختصر موضوع و شرکت آزادانه طرفین در برنامه، ذکر دقیق و بدون ابهام موارد توافق، ذکر میزان خسارت بزه دیده و اینکه آیا بزهدکار اقدام به عذر خواهی و پوزش کرده است یا نه، آخرین تاریخ اجرای کامل تعهدات، و نتیجه عدم اجرای آن که احتمالاً ارجاع پرونده به دادگاه یا مقام تعقیب است. متن توافقنامه باید به اطلاع طرفین و شرکت کنندگان برسد. برای این منظور معمولاً آن را با صدای بلند قرائت می کنند.

آخرین وظیفه میانجی در این مرحله، نتیجه گیری از آن و به اصطلاح « جمع بندی جلسه » است.¹⁶ تفاوت میانجی گری با داوری در این است که در داوری وقتی طرفین با رضایت یا با کمک دادگاه، داور تعیین کردند، نظر داور، همچون نظر قاضی برای طرفین لازم الاتباع است و نمی توانند از آن عدول کنند، حال آنکه میانجی گری فرایندی سه جانبه است. در واقع، میانجی یا پیش برنده زمینه را برای تصمیم گیری طرفین جرم در مورد جرم ارتكابی و عواقب و استلزامات آن در آینده آماده می کند و در صدد نزدیک کردن برآیند نظرهای آنان است و هیچ گاه تصمیم و نظر خود را به طرفین

تحمیل نمی کند. رأی داور الزام آور است و حکم صدر می کند ولی، میانجیگر عمل قضایی انجام نمی دهد و وی حکم صادر نمی کند. علت اینکه حکم داور، قضایی و لازم الرعایه است ولی میانجی اصولاً مبادرت به صدور حکم نمی کند، این است که در میانجیگری چون جرم وجود دارد و در واقع، عمل خلاف نظم اجتماعی ارتكاب یافته است، دادگاه یا دادر را باید حکم نهایی را در مورد آن صادر کند.¹⁷

همچنان میان میانجیگری و داوری علارغم شباهت، دارای ماهیت متفاوت هستند. میانجیگری فرایندی است که بر اساس توجه به نیاز های طرفین درگیر در جرم که بطور کلی جامعه را نیز شامل می شوند، قار است به اهداف گوناگونی عمل کند در حالی که ترمیم مادی نسبت به خسارت وارده به بزه دیده، عموماً یکی از نتایج چنین فرایندی است. برخی بزه دیدگان خواهان صرف نظر کردن از به عمل

¹⁵ شیرینی عباس، فرایندهای عدالت ترمیمی، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال اول و دوم (1386 - 1385) ص 35.

¹⁶ غلامی حسین، عدالت ترمیمی، همان ص 128.

¹⁷ سماواتی پیروز، امیر؛ عدالت ترمیمی (تعدیل تدریجی عدالت کیفری یا تغییر آبی)، تهران، نشر نگاه بینه، چاپ اول 1385ش، ص 132.

آمدن جبران و ترمیم توسط بز هکار هستند و با عذر خواهی وی و توضیحی که از سوی بز هکار در مورد عمل ارتكابی داده می شود، رضایت خاطرشان تأمین می شود.¹⁸

مرحله چهارم: پیگیری

هدف از این مرحله پی گیری کیفیت اجرای توافقنامه است. زمانی کاربرد دارد که در روند اجرای آن ابهامات یا مسائل دیگری مطرح شود که نیاز مند مذاکره باشد. همچنین ممکن است که جهت برخی توافقات، نیاز به برگزاری جلسات غیر رسمی میان طرفین در گیر نیز باشد. در هر صورت میانجی تا پایان اجرای تعهدات، وظیفه پی گیری را به عهده دارد و در پایان از طرفین می خواهد نسبت به تأیید اجرای کامل تعهدات اقدام کنند.¹⁹

مبحث دوم: نشست (کنفرانس) ، محافل و تشکلهای ترمیمی جامعه محلی.

گفتار اول: نشست گروه های خانوادگی (کنفرانس)

این مدل، به شکل مدرن آن، از فرآیند های عدالت جوانان، در نیوزیلند در سال 1989 اقتباس گردیده است. مدل جدید نشست های گروهی در واقع مدل امروزی شیوه های مائوری (maori) در حل و فصل اختلافات و مشاجرات است که علاوه بر نیوزیلند، امروزه در جنوب استرالیا، آمریکای شمالی، مینی سوتا، پنسلوانیا، مونتانا و بخش های از کانادا نیز گسترش یافته است.²⁰

مائوریها که یک قوم از اقوام نیوزیلند، به لحاظ روابط قومی مستحکم و نیز همبستگی های خانوادگی در چارچوب اجلاسیه های خانوادگی سعی در حل و فصل مسائل مربوط به نوجوانان داشتند. علت آن که نهاد پیش گفته، جنبه قانونی به خود گرفت این بود که قضات در یافتند که هرگاه نوجوانان مائوری مرتکب جرمی می شوند و فرآیند قضایی رسیدگی به جرم در دادگاه پیگیری می شد، والدین از کمک به قاضی دادگاه به منظور پرداختن به علل جرم و پیشگیری از تکرار جرم استنکاف می کردند. بی اعتنایی قوم مائوری نسبت به دادگاه اطفال از یک سو و عدم موفقیت نظام قضایی زلاند نو مقرر می کند که در تصمیم گیری در مورد جرایم اطفال، دادگاه مکلف است از خانواده های آنان دعوت کرده و با حضور آنان تکلیف پرونده را مشخص کند.²¹ در سال 1989 قانونگذار، قانون مهم و برجسته ای را به تصویب رساند. قانون کودکان، جوانان و خانواده های آنها به طور کامل نقطه تمرکز و توجه فرآیند عدالت کیفری صغار در نیوزیلند را عوض کرد. نظام حقوقی نیوزیلند اولین نظام حقوقی در جهان شد که شکلی از

¹⁸ مارشال تونی، عدالت ترمیمی، ارتقا بخشیدن رویکرد بزه دیده محوری (مجموعه مقالات) ترجمه امیر سماواتی پیروز، تهران، نشر خلیلیان، 1384ش، ص 131-132 .

¹⁹ غلامی همان ، ص 129 .

²⁰ شیری، عباس؛ فرایندهای عدالت ترمیمی، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال اول و دوم (1385_1386)، ص 41.

²¹ سماواتی پیروز، امیر؛ عدالت ترمیمی تعدیل تدریجی عدالت کیفری یا تغییر آن.

عدالت ترمیمی را نه‌دینه کرد. اکنون در نیوزیلند يك نشست گروهی خانوادگی و نه يك دادگاه، محل معمول تصمیم‌گیری در مورد مسائل کودکان و نوجوانان است.²²

از این روش اغلب به عنوان روشی برای قضا‌دایی از فرایند رسیدگی به بز‌هکاری صغار استفاده می‌شود، بز‌هکار و اعضای اصلی و تأثرگذار خانواده و دوستان بز‌ه دیده و بز‌هکار مشارکت دارند.²³ اجرای این برنامه در راستای اهداف و اصول عدالت ترمیمی از طریق مشارکت کلیه کسانی است که از ارتکاب جرم متأثر شده‌اند. « برایت ویث » و « موگ فوردت » در جهت تبیین علل گرایش به برنامه کنفرانس و ایجاد شرایط مساعدت برای مشارکت « سهامداران عدالت ترمیمی » خاطر نشان می‌نمایند: قضات... به وضعیت بز‌ه دیدگان توجه اندکی نشان می‌دهند... نقش آنها در صحن دادگاه، به وضوح نقش تغذیه‌کننده قوه هاضمه نظام کیفری است. آنها باید صرفاً به پرونده بچسبند و عقاید و ایدیشه‌های خود را به گوشه‌ای نهند. در نتیجه قضات معمولاً از تجربیات روزمره خود اظهار نارضایتی می‌کنند. برای بز‌ه دیدگان و حامیان آنها این وضعیت به این معناست که آنها اغلب تلاش بدون نتیجه‌ای را انجام می‌دهند.²⁴

برنامه نشست‌های گروهی خانوادگی نوعی ملاقات برای تصمیم‌سازی و مواجهه‌چهره به‌چهره بز‌هکاران و خانواده‌های آنها، بز‌ه دیدگان و حامیان آنان، نماینده پلیس و درگرا‌ن است. این برنامه توسط يك هماهنگ‌کننده عدالت (کیفری) جوانان سازماندهی شده، هدایت می‌شود. او يك تسهیل‌کننده است که به صورت حرفه‌ای مددکار اجتماعی است. این رویکرد از آن جهت پذیرفته شده است که بز‌هکار را جهت قبول مسؤ‌لیت و تغییر رفتارش مورد حمایت قرار دهد؛ خانواده‌اش را جهت ایفای نقش مهمتر در این فرایند توانا سازد و نیازهای بز‌ه دیده را مورد توجه قرار دهد. برخلاف برنامه‌های ترمیمی که در کشورهای دیگر به نظام عدالت کیفری (کلاسیک) ضمیمه شده‌اند این گروه (از شرکت‌کنندگان) جمعا نتیجه‌ای فراگیرد یا ترتیب و وضعی را ایجاد می‌کنند که فقط استرداد یا اعاده حیثیت نیست. بلکه مهمترین و برجسته‌تر از آن، آنان چنین نتیجه‌ای را با اجماع و اتفاق نظر کلیه شرکت‌کنندگان و نه فقط با نظر صرف اکثریت یا دستور مقام رسمی به دست می‌آورند. بز‌ه دیده، بز‌هکار، اعضای خانواده، وکیل جوانان، یا پلیس می‌توانند شخصا در صورتی که نظر موافق نداشته باشند مانع حصول به نتیجه شوند. همچنین تسهیل‌کننده باید مطمئن شود که شرکت‌کنندگان در برنامه نشست‌های گروهی خانوادگی به ارزیابی نتایج برنامه طراحی شده و پیگیری چگونگی اجرای آن خواند پرداخت. این که چه کسی، چگونه و چه زمانی باید چه کاری را انجام دهد و چه کسی باید پیگیری اجرای برنامه را برعهده داشته باشد جزئی از برنامه طراحی شده ناشی از يك نشست گروهی خانوادگی است.²⁵

اهداف نشست‌های خانوادگی (کنفرانس)

مهم‌ترین اهداف روش کنفرانس عبارتند از:

²² مک‌رای، آلن و زهر هوارد؛ نشست‌های گروهی خانوادگی روش نیوزیلندی، ترجمه‌ی دکتر حسین غلامی، تهران، نشر مجد، 1386 ش، ص 39.

²³ غلامی، دکتر حسین؛ عدالت ترمیمی، علوم جنایی (مجموعه مقالات)، ص 733.

²⁴ غلامی، دکتر حسین؛ عدالت ترمیمی، تهران، نشر سمت، 1385 ش، ص 133.

²⁵ مک‌رای، آلن و زهر هوارد؛ نشست‌های گروهی خانوادگی روش نیوزیلندی، همان، ص 39-40.

الف) ایجاد فرصتی برای بزه دیده تا مستقیماً در جریان مباحث ناظر به جرم و تصمیم‌گیری در خصوص ابراز واکنش مناسب نسبت به بزهکار باشد.

ب) افزایش آگاهی بزهکار راجع به آثار مخرب رفتار مجرمانه او بر سایرین و تمهید شرایط ایجاد احساس مسئولیت کامل در او.

ج) ایجاد احساس مسئولیت کامل نزد گروه‌های حمایت‌کننده بزهکار (خانواده و دوستان...) جهت درگیر نموده آنها در فرایند ترمیم آثار جرم و شکل دادن به رفتار بزهکار در آینده.

د) ایجاد فرصتی برای بزه دیده و بزهکار تا با نظامها و نهادهای حمایتی جامعه دوباره ارتباط برقرار نمایند.

گفتار دوم: حلقه‌ها یا محافل و اصول و اهداف آن

- حلقه‌ها یا محافل

حلقه‌های تعیین مجازات یا حلقه‌های آشتی که در برخی کشورها به نشست‌های گروهی شهرت یافته است، ریشه در فرهنگ بومی شمال کانادا دارد.

در میان بومیان کانادا و سرخپوستان کانادا در آمریکا، با مشارکت اعضای جامعه حقیقی بزهکار و سایر افراد مرتبط با بزه، حلقه‌ای تشکیل می‌شود که به حلقه‌ی تعیین مجازات مشهور است. این حلقه‌ها، تحت نام جدید «حلقه‌های آشتی» در سال 1991 توسط انجمن‌های عدالت مردمی و قضات در چندین جامعه محلی در شمال کانادا احیاء شد.²⁶

انواع مختلف محافل یا حلقه‌های صدور حکم، حلقه‌های ایجاد سازش و غیره جایگاه مهمی در میان برنامه‌های عدالت ترمیمی پیدا کرده‌اند. محافل (حلقه‌ها) می‌توانند در مراحل مختلف و فرایند‌های متفاوت اجرای عدالت و حتی پس از محاکمه دخالت کنند. ممکن است اعضای شرکت‌کننده شامل بزه‌دیده‌گان و حمایت‌کنندگان آنها از جمله خانواده و گروه دوستان، بزهکاران و حامیان آنها، کارکنان (نمایندگان) دستگاه عدالت کیفری و اعضای اجتماع باشند. مردمی که دور حلقه نشستند اند تشویق به صحبت و اظهار نظر آزاد شده، از آنها تقاضا می‌شود که با احترام و دقت در خصوص آثار جرم ارتكابی بر جامعه و ارائه راه‌حلهایی برای بازگشت مجدد بزهکار به اجتماع توضیح دهند.²⁷

در فرایند حلقه‌ها، شرکت‌کنندگان در قالب یک حلقه مرتب می‌شوند. آنها "مهره صحبت" را دور حلقه و بین یکدیگر رد و بدل می‌کنند تا مطمئن شوند که هر فرد، در زمان مشخص و به ترتیبی که در حلقه نشستند، سخن می‌گوید. در روش حلقه‌ها یا محافل مجموعه‌ای از ارزش‌ها یا حتی یک فلسفه به عنوان بخشی از این فرایند مد نظر قرار دارد، ارزشهایی که [بر] احترام، [توجه به] ارزش هر فرد شرکت‌کننده، وحدت، اهمیت سخن گفتن از ته دل و غیره تأکید می‌کنند.²⁸ حلقه‌ها به عنوان بهترین مثال عدالت مشارکتی عنوان می‌شود، زیرا اعضای جامعه می‌توانند مستقیماً در پاسخ دادن به وقایع ناشی از جرم و بی‌نظمی اجتماعی مشارکت نمایند لذا، این فرایند به افزایش مشارکت جامعه می‌

²⁶ شیرینی، دکتر عباس، فرایند‌های عدالت ترمیمی، همان، ص 44-43.

²⁷ غلامی، دکتر حسین، عدالت ترمیمی، علوم جنایی، همان، ص 134.

²⁸ زهر هوار، همان، ص 80.

انجامد. در ایران مثال آن آیین فصل است که در میان عشایر عرب خوزستان حاکم است که با دخالت شیوخ و بزرگان هر قبیله و عشیره صورت می‌پذیرد.

در سایر کشورها می‌توان به نهاد های مردمی نظیر انجمن عدالت مردمی اشاره کرد که امکان حضور قضات، وکلای دادگستری، پلیس و سایر مقامات اجرایی و اداری در این گونه نهادها وجود دارد. بنابراین این ارتباط این گونه نهادها با پلیس، قضات، مقامات زندان و سایر مقامات اجرایی، به حضور هرچه بیشتر نهادهای مردمی در متن فرایند عدالت کیفری کمک می‌کند. در هر حلقه مراقبی نیز حضور دارد.

نقش مراقب اداره جلسه و گفت‌وگو بین بزه دیده و بزه‌کار نیست، ممکن است جلسه به وسیله مراقب آغاز شود، اما وی برای اطمینان از پیشرفت صحیح فرایند، نظارت لازم را به عمل می‌آورد. این

انجمن با استفاده از این نوع ارتباط و ارتباط دیگر با طرفین بزه، به عنوان یک پل ارتباطی می‌تواند نقش مثبتی در یافتن راه حل توافقی ایفا نمایند و موجبات حمایت هرچه بیشتر جامعه را از طرفین به دست آورد.²⁹

اصول و اهداف حلقه ها یا محافل

مهم ترین اصولی که در راستای اصلاح نظام کیفری سنتی در رویش حلقه ها مدنظر قرار گرفته است عبارتند از: تأکید بر مشارکت بیشتر اعضای اجتماع در اجرای عدالت راجع به امور کیفری، گرد هم آوردن بزه دیده و بزه‌کار و ملاقات چهره به چهره آنها با یکدیگر، مشارکت دادن و درگیر نمودن خانواده ها و دوستان و حامیان طرفین همانند روش نشست، تقویت رابطه میان بزه دیده، بزه‌کار و اجتماع از طریق ایجاد عدالت و توجیه به ابعاد جسمانی، احساسی و روحی افراد در قلمرو اجتماعی و فرهنگی.³⁰

مهمترین اهداف روش حلقه ها یا محافل عبارتند از

- 1 - ایجاد التیام و بهبودی و تسلاهی بیشتر در طرفین (بزه دیده گان و بزه‌کاران).
- 2 - ایجاد فرصتی برای بزه‌کار تا نسبت به اصلاح و بهبود مشکلات ناشی از جرم اقدام کند.
- 3 - تقویت بزی دیدگان، اعضای جامعه، خانواده ها و بزه‌کاران از طریق دادن فرصت و امکان لازم به آنها جهت یافتن راه حل‌های سازنده.
- 4 - ایجاد احساس و ظرفیت لازم در اجتماع جهت حل و فصل مشکلات.
- 5 - حمایت و ارتقای ارزشهای اجتماعی.
- 6 - توجه به علل بروز و ارتکاب رفتار مجرمانه.³¹

²⁹ شیرینی، دکتر عباس، فرایند های عدالت ترمیمی، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم سال اول و دوم (1386 – 1385) ص 46.

³⁰ غلامی، دکتر حسین، عدالت ترمیمی، تهران، نشر سمت، 1385 ش، همان، ص 151.

³¹ غلامی، دکتر حسین، عدالت ترمیمی، علوم جنایی، همان، 735.

از برنامه حلقه ها یا محافل می توان به منظور حمایت از بزه دیدگانی که بزهداران آنها دستگیر یا شناخته نشده اند استفاده کرد. همچنین از این برنامه می توان جهت پاسخگویی بزهداران مرتکب « جرایم بدون بزه دیده » استفاده نمود. آماده نمودن بزهداران صغیر محکوم به حضور در مؤسسات تربیتی جهت زندگی در اجتماع و بازپذیری در آن و همچنین ایجاد آمادگی در بزهداران بزرگسال جهت زندگی در اجتماع پس از تحمل حبس و به علاوه کاربرد این روش در مدارس و غیره جهت حل و فصل اختلافات از دیگر موارد استفاده از آن است.

گفتار سوم: هیئت های ترمیمی جامعه محلی و اهداف آن

هیئت های ترمیمی جامعه محلی به عنوان چهارمین روش اجرایی عدالت ترمیمی درک جدیدی از روشهای قدیمی جهت پاسخگویی به جرایم ارتكابی صغار می باشند که عموماً در قالب عناوینی از قبیل « پانل جوانان »، « هیئت های همسایگی » یا « هیئت های قضاوردایی جامعه محلی » وجود داشته اند. این هیئت ها در سال 1990 تأسیس شده اند.³²

این تشکلهای که تقریباً از ارکان جدید عدالت ترمیمی اند، در حال حاضر توجه زیادی را به خود جلب کرده اند. تشکلهای ترمیمی شکل جدید انواع قدیمی تشکلهای همسایگی یا اجتماعی اند که اصولاً به جرایم صغار رسیدگی می کردند. اعضای این تشکلهای ممکن است بزهدار، بزه دیده، برخی افراد از دستگاه عدالت کیفری و گاه اعضای خانواده بزهدار باشند. بزهداران شرکت کننده معمولاً افراد بزرگسال که باید مرتکب جرایم خشونت بار نشده باشند. امروزه به بررسی وضعیت صغار بزهدار نیز می پردازند. در این رویش همانند سایر رویشها، ابتدا توعی گفتگو میان شرکت کنندگان شروع شده و سپس ضمانت اجرایی توسط هیئت ترمیمی جامعه محلی تعیین می شود. این هیئت یا تشکل نقش برجسته ای در اجتماع در خصوص مسائل و مشکلات کیفری ایفا می کند و در واقع نقش میانجی اجتماع و مراکز رسمی عدالت کیفری را بر عهده دارد. اهداف این تشکلهای عبارتند از:

الف) ارتقای سطح مالکیت عمومی نظام عدالت کیفری در میان شهروندان از طریق مشارکت دادن مستقیمان در جریان عدالت کیفری.

ب) ایجاد شرایط و فرصتهای مناسب برای بزه دیدگان و اعضای اجتماع جهت برخورد با بزهدار به نحوی سازنده و مؤثر در اصلاح و بازگشت وی به جامعه.

ج) ایجاد فرصتی برای بزهدار جهت پذیرش مسؤلیت اعمال خود و پاسخگویی به آنها از طریق چبران زیانهای وارد به اجتماع و بزه دیده.

د) دخالت معنی دار و هدفمند و توأم با مدیریت اعضای اجتماع در فرایند کیفری که در نتیجه منجر به کاهش وابستگی اقتصادی اجرای عدالت به فرایند های رسمی اجرایی آن می گردد.³³

نتیجه گیری:

³² غلامی؛ دکتر حسین، عدالت ترمیمی، تهران، نشر سمت، 1385ش، ص 162.

³³ غلامی، حسین، عدالت ترمیمی؛ علوم جنایی، ص 735.

طرفداران عدالت ترمیمی معتقدند باکیفر نمی توان عدالت واقعی را محقق ساخت، عدالت زمانی محقق می شود که در جهت اصلاح آسیب های ناشی از بزه، جبران و التیام این آسیب ها، اقدامی انجام شود و نیاز های مادی و معنوی بزه دیده شناسایی و در جهت رفع این نیاز ها تلاش شود. فرایندهای اجباری و یک جانبه عدالت سزادهنده باید به فرایندهای داوطلبانه، توافقی و در جهت آشتی و سازش تغییر یابند. گسترش برنامه های عدالت ترمیمی در دنیا، بیانگر این واقعیت است که اکثر نظام های حقوقی کیفری، پارادایم ترمیمی را حد اقل در کنار عدالت سزادهنده پذیرفته اند. اکنون در حدود (80 - تا 100³⁴) ترمیمی برای واکنش نسبت به پدیده های مجرمانه استفاده می کنند. در حالی که در برخی از این کشور ها عدالت ترمیمی مراحل آزمایشی و اجرایی شدن خود را طی می کند در برخی دیگر از کشورها از آن به عنوان الگوی اصلی یا جانشین نظام عدالت کیفری سنتی - حداقل در رسیدگی به جرایم کودکان و نوجوانان - استفاده می شود.

در جرایم مهم یعنی جرایم خشونت آمیز، تروریستی، جرایم سازمان یافته و نظایر آن، کماکان به عدالت سزادهنده نیاز است و فرایندهای ترمیمی در آن زمینه هابه دلیل نوپایی و نوظهوری این رویکرد کارایی نداشته و منجر به افزایش بزهکاری در جامعه خواهد شد. مرور زمان (زمان آینده) فرصتی مناسب برای هر گونه داورری در خصوص صحت و سقم این تحول در اندیشه کیفری است. آینده پاسخ خواهد داد که آیا عدالت کیفری سنتی که در ربع اخیر قری بیستم در قالب عدالت ترمیمی کیفری استحقاقی باز تولید شده است، جایی برای عدالت ترمیمی باقی خواهد گذاشت و یا عدالت ترمیمی حد اقل به مثابه رقیب یاهم خانه ای جدید همچنان مورد اعتنا خواهد بود؟³⁵

³⁴ غلامی، حسین؛ عدالت ترمیمی، ص 219.